

بیان مسئله

قرآن کریم آداب و شعائر دینی را جزء خصوصیات همه ادیان و یکی از کهن ترین سنت های فرهنگی در هر جامعه می داند. به تعبیر قرآن کریم، «لِکُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنْسَكًا هُمْ نَاسِكُوهُ». (حج: ۶۷) در واقع، دین ترکیبی از باورها و اعمال است. مراسم و آیین بخشی از اعمال دینی است که بخش گسترده ای از کنش های اجتماعی ما را شکل می دهند. تنوع، گستردگی، پویایی، از جمله ویژگی های مراسم و آیین دینی در فرهنگ جامعه اسلامی ماست.

اگر چه مطالعه جنبه های اعتقادی دین تا اندازه ای موجه است، ولی چنانچه برخی از جامعه شناسان نیز به آن اشاره نموده اند، برای فهم جامعه شناسی دین، مطالعه شعائر و مناسک دینی از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

رابرتسون / سمیت از مردم شناسانی است که پیش از دورکیم، به نقش مراسم دینی بیش از باورهای دینی تأکید داشت. وی معتقد بود عملکردهای مذهبی از باورداشت های مذهبی بیشتر اهمیت دارند. رادکلیف براون از دیگر مردم شناسانی است که اعتقاد دارد برای شناخت دین باید به مناسک دینی توجه کرد.^۱ اودی از جمله جامعه شناسان کارکردگرا اعتقاد دارد که نظم اجتماعی از طریق آیین های دینی استوار می شود. یواخیم واخ می گوید: مطالعه مراسم و مناسک به هیچ وجه از زمینه های اعتقادی دین کم ارزش تر نیستند. دورکیم، مناسک را برای زندگی اخلاقی همان قدر ضروری می بیند که خوراک برای رشد جسم ضرورت دارد.^۲

دینداری یک مقوله اجتماعی است که برخلاف مقوله دین، که ثابت و تغییر ناپذیر است، به مرور زمان و متناسب با نحوه عمل و مقتضیات زندگی دینداران تطوری پذیر و تغییر پذیر است. یکی از مهم ترین ابعاد دین، مناسک می باشد که مهم ترین آنها در مذهب تشیع، عزاداری است. مناسک، به دلیل ساختار و پیوندی که با حیات دائماً در حال تغییر مؤمنان دارند، همواره متحمل تغییرات بسیاری بوده است. از این رو، با بررسی مناسک مذهبی، علاوه بر بازنمایی دگرگونی ها، می توان نقش آن را در پیشبرد این دگرگونی ها بررسی کرد. مناسک عزاداری، به دلیل نقشی که در حیات مردم داشته، در صور مختلفی تبلور یافته و مردم آن را طی سازوکارها و صورت بندی های متنوعی بازسازی کرده اند.

امروزه در آیین عزاداری ما، موج خاصی از هیات ها، که بیانگر تحول عمیق در روند سنتی هیات بوده، رشد و گسترش خاصی پیدا کرده است؛ موجی که بسیاری از مذهبی ها از آن با عنوان «هیات های پاپ» یاد کردند. این عناوین، بیانگر تمایز آنها از سبک سنتی و رایج عزاداری بوده است.^۳

تحلیل محتوای مداحی های مذهبی مردم پسند (مقایسه مداحی های سنتی و مدرن)

داود صفا^۴، سید محمود نجاتی حسینی^۵

چکیده

این پژوهش با هدف مقایسه، شناخت و تحلیل جامعه شناختی مداحی های سنتی و مدرن در یک دهه اخیر از نظر محتوا، ادبیات، سبک اجرا تدوین یافته است. چارچوب نظری، ترکیبی از نظریه های جامعه شناسی مناسک دینی دورکیم، گریترز و برگر می باشد. روش تحقیق اسنادی، تکنیک تحلیل محتوا و ابزار گردآوری اطلاعات، پرسش نامه معکوس است. براساس یافته ها، مداحی های مدرن دارای درون مایه احساسی و عاطفی، ادبیات عامیانه، عاشقانه، تحقیر آمیز و محتوایی با مضمون عشق زمینی و اظهار ارادت به مولا و مراد، سبک شور، هیجان آفرینی بسیار زیاد، سیستم نورپردازی و صوتی حرفه ای و مدیریت صحنه حرفه ای مداح می باشند. در حالی که، مداحان سنتی بیشتر بر توصیف مظلومیت اهل بیت (ع) تأکید دارند و اغلب از ادبیات رسمی، درون مایه احساسی و اخلاقی، سبک واحد و زمینه استفاده می کنند. در مجموع، هر دو نوع مداحی عاری از غنای محتوایی هستند و در مقابل صورت گرا، هیجان آفرین و نمایش محور هستند.

کلیدواژه ها: تحلیل محتوا، مداحی سنتی و مدرن، آئین عزاداری، دین مردم پسند.

امروزه این نوع خاص از هیات‌ها، که بیانگر ایجاد تحول عمیق در روند عزاداری سنتی هستند، هم به لحاظ ظاهر و شکل اجرا و هم به لحاظ محتوا، از نوع سنتی آن متمایز می‌باشند. در این میان، در جریان برگزاری مناسک، ما شاهد بروز و ظهور مداحی به شکل کاملاً تخصصی و حرفه‌ای هستیم. به گونه‌ای که مداحان توانایی بالایی در جذب مخاطبین مجالس مذهبی از لحاظ احساسی و عاطفی دارند. این مداحان سبک جدید، به نوعی برای جوانان حکم ستاره یافته‌اند و جوانان از آنها تقلید می‌کنند. این تحقیق، سعی در بررسی این سوال دارد که ابعاد دینداری چگونه در مداحی‌ها انعکاس می‌یابند. از سوی دیگر، تشابه و افتراق‌های مداحی‌های سنتی و مدرن از نظر محتوایی، سبک، ادبیات، هیجان‌آفرینی در چه می‌باشد.

ضرورت تحقیق

ظهور شکل جدید هیات‌ها و به تبع آن، مداحی‌ها و گسترش و رواج روزافزون آنها از سوی مردم، بویژه جوانان اهمیت و ضرورت توجه و تحقیق در این عرصه را دوچندان کرده است؛ چرا که عدم اهتمام به این مهم، می‌تواند عواقبی را در جامعه، به ویژه در عرصه دینداری مردم داشته باشد؛ چرا که دست کم یکی از مهم‌ترین این پیامد آن می‌تواند فاصله گرفتن جوانان از اصول، مفاهیم و دستورات ارائه شده در متون دینی، به واسطه محتوای ضعیف مداحی‌ها تأکید بر هیجان‌آفرینی و بُعد عاطفی مداحی‌ها، سبب ایجاد ذائقه دینداری خاصی در بین عزاداران می‌شود. این ضرورت، محقق را بر آن داشته تا با بررسی دقیق مداحی‌ها و تغییرات ایجاد شده در آن، مسئولین و سیاست‌گذاران عرصه دینی را در اصلاح آن یاری رساند.

از این رو، در کل فهم وضعیت مداحی‌ها سنتی و مدرن از جنبه‌های ذیل ضرورت دارد:

- فهم جایگاه مداحی‌ها، به مثابه نظام فرهنگی و پدیده اجتماعی در دینداری مردم؛
- فهم آن به مثابه یکی از آیین‌های دینی مهم و مؤثر در حیات دینداران؛
- فهم تحولات در مداحی‌ها به عنوان یک تغییر و تحول مذهبی در جامعه فعلی ایران؛
- فهم عوامل مؤثر در این تحول.

اهداف

این پژوهش با بررسی یکی از مؤثرترین آیین و فعالیت‌های مذهبی و مردمی در جامعه، اهداف زیر را دنبال می‌کند:

- بررسی و گونه‌شناسی مداحی‌ها؛

- بررسی چگونگی صورت‌بندی و انعکاس ابعاد مختلف دینداری در مداحی‌های سنتی و مدرن؛

- بررسی محتوای مداحی‌ها از لحاظ چگونگی تعریف و ترویج امر مقدس؛

- بررسی و مقایسه مداحی‌های سنتی و مدرن از لحاظ میزان هیجان‌آفرینی، سبک اجرا، ادبیات و شناخت تشابهات و افتراق‌ها؛

- تبیین تحولات ایجاد شده در مداحی‌ها با تکیه بر علل اجتماعی مرتبط با آن.

پیشینه تحقیق؛ مروری بر تحقیقات داخلی و خارجی

در قلمرو کارهای اجتماعی و فرهنگی در خصوص آیین‌های عزاداری، می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

- ابراهیم الحیدری، جامعه‌شناس عراقی در کتابش با عنوان *تراجیدیا کر بلا: سوسئولوجیا الخطاب الشیعی* (۱۴۲۳ هـ.ق) به بررسی جامعه‌شناختی گفتمان شیعی در عراق، به ویژه از منظر مناسک عزاداری پرداخته است. از نظر وی مناسک مذهبی و به خصوص مناسک عزاداری به مثابه یک گفتمان دینی، بخش تفکیک‌ناپذیری از تشخیص و هویت اجتماعی شیعیان عراق را تشکیل می‌دهد. وی در بخشی از کار خود از دلایل سیاسی- معیشتی زندگی شیعیان عراق و تأثیر آن بر رویکرد و گرایش آنها به مراسم عزاداری بحث می‌کند. وی همچنین در فصل پنجم کتاب خود، به گفتمان تشیع در باب حادثه کربلا و دریافت آنها از این حادثه می‌پردازد و به اهمیت رنج و اندوه و پیوند آن با نجات‌نهایی، شهادت و حقیقت برای تولید معنا در دینداران اشاره می‌کند.

- مسعود کوثری (۱۳۸۵)، در مقاله خود با عنوان مداحی و موسیقی پاپ دینی در ایران» اشاره دارد که رواج موسیقی پاپ در سومین دهه انقلاب، تنها در حوزه موسیقی دیده نمی‌شود، بلکه گسترش استفاده از این موسیقی در مراسم مداحی مذهبی هم به چشم می‌خورد. کوثری معتقد است: گسترش موسیقی پاپ دینی، بیش از هر چیز نشان‌دهنده پیروزی مداحی به عنوان شکلی مردم‌پسند از عزاداری در دوران پس از انقلاب است. مداحان، که در سبک‌های سنتی، در کنار روحانیان نقش ثانویه را در عزاداری ایفا می‌کردند، پس از انقلاب به دلیل نیاز به ایجاد هیجان و شور لازم برای رزمندگان، شکلی مستقل از روضه و عزاداری یافتند و کارکرد مستقل پیدا کردند. این روند حتی پس از جنگ نیز ادامه یافت، به طوری که مداحان به گروه مستقلی، که شأن اجتماعی جدیدی پیدا کرده بودند، تبدیل شدند. این گروه، در محتوا و شیوه‌های اجرای مداحی، هر چه بیشتر از اشکال

مردم‌پسند موسیقی و اجرا استفاده کردند. این موضوع، خود مبنایی برای شکل‌گیری موسیقی پاپ دینی و مجوزی برای ترویج آن در دهه سوم انقلاب بود.

- جبار رحمانی (۱۳۸۵)، در پایانامه خود با موضوع **مناسک عزاداری و گفتمان کربلا در دین‌ورزی اقشار فرودست شهری** با روش کیفی مشاهده مشارکتی، به بررسی هیأت‌ها سبک جدید در مداحی و عزاداری پرداخته است. مبنای تئوریک این تحقیق، نظریات دورکیم و کلیفورد گیرتز بوده است. در نتایج این تحقیق آمده است که گفتمان کربلا در صورت‌بندی سبک جدید آن، وجه عرفانی، شورانگیز و ارجاع به درون را اصل قرار داده و تمام نمادها در بستری از این تولید و تفسیر می‌شوند. هر رفتار، کلام، نحوه مداحی، و محتوای مداحی که جدید و بدیع بود، بواسطه سازوکارهای درونی این گفتمان معنادار شده و برای آن توجیهی دینی و مقدس فراهم می‌شود. از نظر وی، گفتمان کربلا در سبک جدید آن، بیش از همه در بین جوانان رواج دارد و از قرائت دینی آن - هم از لحاظ محتوایی و هم از لحاظ موسیقایی - فاصله گرفته و محتوای آن به سمت پاپ شدن می‌رود. رحمانی نتیجه می‌گیرد که ورود آهنگ و رقص در این گفتمان و گرایش گسترده مداحان سبک جدید به تقلید از موسیقی پاپ داخلی و خارجی و رسانه‌ای شدن آنها، سبب شده که به نوعی صنعت فرهنگ در این گفتمان شکل گیرد. تولید گسترده و متنوع مداحی‌ها، هم در محتوا و هم در موسیقی و کالایی شدن این تولیدات، به همراه گرایش گسترده جامعه به مصرف انبوه این سبک جدید، بازار بزرگی را ایجاد کرده است.

- محسن حسام‌مظهری (۱۳۸۷)، نتایج تحقیقات خود را در موضوع «مجالس و آیین‌ها و رسوم عزاداری» در کتابی با نام **رسانه شیعه** به چاپ رسانده است. وی ابتدا به بررسی و تحلیل تاریخ پیدایش و تکوین آیین‌ها و مجالس عزاداری می‌پردازد. فرضیه بنیادین این کتاب، رابطه عزاداری و تغییر و تحولات آن با وضعیت سیاسی، فرهنگی و اجتماعی هر عصر است. از این‌رو، در بخشی به تفصیل در باب بسترهای اجتماعی و فرهنگی، که در هر عصر سبب ظهور یک آیین یا صورت جدید در عزاداری عاشورا شده، سخن گفته شده است.

وی همچنین گونه‌های هیأت‌ها را بررسی کرده و در انتها، یک مدل تلفیقی و چند بُعدی را به عنوان «مدل ساختی - کارکردی» پیشنهاد کرده است. بر اساس این مدل، هیأت‌های مذهبی معاصر را می‌توان در سه دسته «سنتی»، «انقلابی» و «عامه‌پسند» و به علاوه، یک گونه فرعی «شبه‌هیأت‌ها» گنجانند. وی نتیجه می‌گیرد که عزاداری جزو مقوله دینداری می‌باشد که یکی از آیین‌های دین‌داران است و

نه مناسک دینی. این آیین‌ها، که توسط امامان شیعه پایه‌ریزی شده است، پس از چندی با فرهنگ ایرانی آمیخته و شد. اما در ادامه صورت دیگری یافت، که به کلی با نمونه اولیه آن تفاوت داشت؛ صورتی که توسط خود دین‌داران و به تناسب فرهنگ و باورهای آنان و نیز قرائتی که در هر عصر از قیام امام حسین علیه السلام داشتند، تعریف شده است.

- مهری بهار و نسیم کاهیرده (۱۳۸۹)، در مقاله‌ای با عنوان «نگاهی به مداحی رسانه‌ای به مثابه رویکردی جدید در تبلیغ دینی» معتقدند: مداحان عناصر اصلی گرداننده مناسک عزاداری هستند که الگوهای جدیدی از نمایش گردهمایی‌های مذهبی را در قالب‌های نو و جذاب هنری به مخاطب عرضه می‌کنند. از این‌رو، وی در تحقیق خود ویژگی‌های متون مورد استفاده این مداحان را با استفاده از تکنیک تحلیل محتوا مورد بررسی قرار داده‌اند. آنها با بهره‌مندی از دیدگاه دورکیم، با روش کیفی به دنبال سنجش تفسیرها براساس مقولات برآمده از نظریه بوده‌اند. این دو معتقدند: داده‌های به دست آمده از نمونه‌ها نشان می‌دهد که هر یک از این مداحان، سبک، شعر، تکیه کلام و حتی موسیقی خاص خود را ارائه می‌کنند. این مداحان، علاوه بر داشتن صدای خوب، موسیقی جذابی را در نوحه‌ها به کار می‌برند. اشعار مورد استفاده این مداحان بیشتر در قالب تصنیف، ترانه و نزدیک به ادبیات عامیانه است. این مداحان از متونی استفاده می‌کنند که تا حدود زیادی بیانگر عاطفه و احساس مذهبی است و کمتر ناظر به بیان مسائل اخلاقی و مباحث جدی فکری و اعتقادی است. در نتیجه، موجب اشاعه دینداری متناسب با آن در جامعه دینداران خواهد شد.

چارچوب نظری

در این تحقیق، در راستای بررسی و مقایسه دو نوع مداحی و تغییرات ایجاد شده در مداحی‌ها، به عنوان یک پدیده اجتماعی و شکل‌گیری نوع جدید آن، از چارچوب نظری ترکیبی استفاده شده است. به نحوی که نظریات امیل دورکیم (تغییرات مناسک در پی شرایط اجتماعی)، گلیفورد گیرتز (دین به مثابه نظام فرهنگی) پیتر برگر، دین به مثابه سایبان (سنتی) و دین خصوصی (مدرن)، گابریل بار-هایم (تغییر مناسک دینی و نمایش محور شدن آن در عصر کنونی)، مورد استفاده قرار گرفته‌اند. اما با توجه به اینکه تحلیل محتوای کمی مداحی‌ها، به عنوان یک پدیده اجتماعی مورد توجه بوده است، نظریه محوری در این مقاله، نظریه دورکیم می‌باشد.

دورکیم با انتشار کتاب **صور بنیانی حیات دینی** در ۱۹۱۲م، با نگاهی پوزیتیویستی، دین را به مثابه یک امر اجتماعی و در رابطه با گروه اجتماعی مورد تحلیل و تبیین قرار می‌دهد.^۴ در نگاه دورکیم

اعتقادات، اعمال شعائری آفریده تفکر جمعی‌اند و به هنگام هیجان جمعی ایجاد می‌شوند. در واقع، آنها در جامعه تعیین می‌شوند و ساختارهای اجتماعی را که در درون آنها رشد می‌کنند منعکس می‌کنند. دورکیم دین را طریقه خاص بیان واقعیات اجتماعی می‌داند؛ یعنی از یک سو، دین راهی برای درک واقعیت اجتماعی و از سوی دیگر، راهی برای نمادی کردن و نمایش دادن روابط اجتماعی است. دورکیم دین را به دو دسته عناصر بنیادی باورها و مناسک یا اعمال تقسیم می‌کند. وی مناسک را عامل انسجام اجتماعی و احیا کننده باورهای دینی می‌داند. معتقد است که مناسک هر چند از باورها سرچشمه می‌گیرد، اما به نوبه خود بر آنها مؤثر است.^۵

وی معتقد است: نقش و جایگاه مناسک در نهایت وابسته به «زیر و بزم آهنگ حیات اجتماعی» و شرایط زندگی جمعی مومنان می‌باشد. از این رو، از موقعیت مناسک در میان مردم هم می‌توان به نظام مذهبی آنها و هم به هدف اولویت‌مند برای آنها از خلال مذهب پی برد. حتی تأثیر مناسک و دریافت از آن نیز به این آهنگ اجتماعی وابسته است. وی مهم‌ترین مناسک مذهبی برای یک جامعه را لزوماً در کل تاریخ حیات مذهبی مؤمنان ثابت نمی‌داند، و بلکه معتقد است که آنها متغیراند. مهم‌ترین مناسک آنهایی هستند که طی آن، اجتماع «احساس حادثی از خویشتن» به دست آورد.^۶

دورکیم رابطه متقابل میان مذهب و مناسک با جامعه را در نظر دارد. از نظر وی مناسک در تغییرات هم نقش دارند. وی علی‌رغم تأکیدی که بر وجه مثبت کارکرد مناسک دارد، در مواردی هم از اهمیت مناسک در هنجارشکنی و شکستن قواعد صحبت می‌کند.^۷ دورکیم در زمینه تغییر مناسک، به تفریحات سرگرم کننده، معتقد است که مناسک نمایشی و تفریحات جمعی به اندازه‌ای به هم نزدیک‌اند که گذار از یک نوع به نوع دیگر، بی‌آنکه پیوستگی از بین برود، امکان‌پذیر است. وی می‌گوید: به موازات سست شدن پیوندهایی که رویدادها و اشخاص نمایش داده شده را به تاریخ قبيله ربط می‌دهد، همه اینها چهره‌های غیرواقعی‌تر می‌گیرند و مراسم مربوط به آنها سرشت‌شان تغییر می‌کند. بدین‌سان، جماعت کلان به تدریج در حوزه خیال‌آفرینی محض وارد می‌شود و از مناسک نمایشی، به تفریح‌های جمعی، که فقط برای سرگرمی مردم صورت می‌گیرند و هیچگونه عنصر دینی در آنها نیست و هرکسی بدون تفاوت می‌تواند در آنها شرکت جوید، روی می‌آورند.^۸

نظریه دیگری که در زمینه مناسک اجتماعی در این تحقیق استفاده شده است، نظریه گیرتز است؛ چرا که گیرتز دین را به مثابه یک نظام فرهنگی دانسته و معتقد است که «دین، مجموعه‌ای از ایده‌ها و باورهای معطوف به خدایان و امور واقعی (جهان بینی) و مجموعه‌ای از ارزش‌ها، نگرش‌ها، عواطف و

رفتارها است».^۹ وی در مطالعات خود اهمیت ویژه‌ای به مناسک قائل است و مکانیسم ایجادکننده ایمان را مناسک می‌داند.^{۱۰} وی رابطه دین با جامعه را رابطه یک‌سویه و منفعلانه نمی‌داند. و معتقد است که دین فعالانه وارد میدان می‌شود و نه تنها نظم اجتماعی را تفسیر و تحلیل می‌کند، بلکه آن را ایجاد کرده و بدان شکل و ماهیت می‌بخشند. در نهایت، در نگاه گیرتز آگاهی معنوی مردم در مراسم و آیین‌های دینی شکل می‌گیرد.

گیرتز در راستای تغییر و دگرگونی مناسک دینی بر این باور است که تغییر و دگرگونی مناسک دینی در ازای رابطه متقابل مناسک و فرهنگ رخ می‌دهد، به نحوی که بین فرهنگ و کنش کنشگران، تعامل پایدار و مستمری وجود دارد. همان‌طور که نظام فرهنگی، کنش‌ها را می‌سازد یا بدانها شکل و جهت می‌دهد، کنش‌ها نیز در شکل‌گیری، تغییر و جهت‌دهی و تداوم نظام فرهنگی نقش تعیین‌کننده‌ای دارند. وی در زمینه مطالعه مقایسه‌ای دین، معتقد است که مشکل اصلی تعریف دین نیست، بلکه یافتن آن است؛ یعنی مسئله این است که معلوم شود چه نوع عقاید و اعمالی، چه نوع ایمانی را تحت چه شرایطی پشتیبانی می‌کنند. برای این کار، فقط توضیح و تفسیر باورها، عقائد، اعمال یا نهادها کافی نیست، بلکه بایستی مشخص شود چگونه و به چه وسیله‌ای باورها، اعمال و نهادهای خاص باقی مانده و ادامه حیات می‌دهند و یا حتی مانع ایمان‌های دینی شده‌اند.^{۱۱}

نظریه دیگری که در این تحقیق استفاده شده، نظریه پیتربگر در خصوص دین به‌مثابه سایبان (سنتی) و دین خصوصی (مدرن) بوده است. برگرز جمله جامعه‌شناسان بانفوذی است که معتقد است: انسان‌ها در طی قرون کوشیده‌اند از طریق دین وجود خود و جهان را معنادار سازند. به زعم برگرز، در هر جامعه‌ای لازم است فرآیندهایی وجود داشته باشد که بتوان به معانی، که قبلاً درون نهادهای مختلف جامعه به وجود آمده‌اند، در نظمی وسیع‌تر وحدت بخشند و آن معانی را یگانه کنند.^{۱۲} برگرز و لاکمن این فرآیند را «توجه‌گری» می‌نامند.^{۱۳}

در جوامع سنتی، دین این کارکرد را برعهده داشت؛ یعنی دین سایبانی از نمادها را به منظور یکپارچه کردن بخش‌های مختلف جامعه و تجربیات مختلف افراد گسترانده بود. اما با تقسیم کار گسترده و تخصصی شدن امور و به وجود آمدن نهادها و ساختارهای اجتماعی جدید، بخش‌های مختلف جامعه و به تبع آن، تجربیات گوناگون افراد، تحت اداره نظام‌های معنایی متفاوت و گاه متضادی در می‌آیند و دین از جای دادن این نظام‌های معنایی در درون کلیت نمادین فراگیر، که خود ساخته و پرداخته کرده، باز می‌ماند.

برگر در زمینه تفاوت‌های دینداری در جامعه سنتی و جامعه مدرن، با یک چرخش پارادایمی از جامعه سنتی (دین به مثابه سایبان) به جامعه مدرن (دین خصوصی)، می‌گوید: به سبب کثرت زیست‌جهان‌ها، تقسیم‌کار و مدرن‌شدن عرصه‌های زندگی و حوزه‌های آگاهی بشر در جامعه مدرن، وظیفه قدیمی دین مورد تهدید قرار گرفته است.^{۱۴}

در جهان مدرن رفته‌رفته بخش‌های مختلف جامعه و به تبع آن، تجربیات گوناگون افراد، تحت اداره «نظام‌های معنایی» متفاوت و بعضاً متضادی درمی‌آیند. در نتیجه، فرد با دنیایی مواجه می‌شود که در آن، نمادها و تعاریف دینی دگرگون و حتی گاهی انکار شده‌اند. اولین پیامد این وضعیت متکثر، خصوصی شدن دین است. فرد با آگاهی از عدم اقبال دیگران به عقاید و باورهایش درمی‌یابد که نباید آنها را در عرصه عمومی بروز دهد. با افزایش این روند، دین گام به گام از عرصه عمومی جامعه رخت برمی‌بندد و دیگر با نمادها و تعاریف دینی از واقعیت سخنی گفته نمی‌شود. این روند به «کاهش نفوذ دین» در جامعه منجر می‌شود. در نهایت، دین تسلط خود را بر جامعه از دست می‌دهد و «عرصه عمومی» تحت سیطره عقاید و ایدئولوژی‌های مدنی‌ای درمی‌آید که یا فاقد محتوای دینی هستند و یا اشاره‌ای مبهم به دین دارند. با ورود عنصر «ترجیح» و «انتخاب» در حوزه دین، در عرصه عمومی جامعه، تفاسیر مختلفی از دین ظهور می‌یابند و «بازار دین» رونق می‌گیرد و در سطح آگاهی ذهنی افراد، «سبک‌های دینداری» پدید می‌آید.^{۱۵}

دیدگاه دیگری که در این تحقیق، در راستای بررسی تغییر مداحی از سنتی به مدرن مورد استفاده بوده است، نظریه گابریل بار-هایم، در خصوص تغییر مناسک دینی و نمایش محور شدن آن می‌باشد. وی در مقاله خود با عنوان «فروپاشی و زوال امر قدسی، نابهنجاری و بحران در مناسک»؛ رسانه‌ای شدن روابط اجتماعی و ظهور ابزارهای نمایش دهنده را از عوامل اصلی بحران آیین و مناسک در دنیای معاصر می‌داند.

در نگاه بار-هایم، هنگامی که زندگی اجتماعی به صورت عادی تداوم پیدا می‌کند، مناسک به طور ظاهری و سطحی تلاش برای حفظ اعتقاد به قدرت جمعی محسوب شوند. اما زمانی که زندگی اجتماعی با ناامیدی مواجه می‌شود، مناسک فرصت می‌یابد که هم به ابزار و هم به فرصتی برای احیای اعتماد به گروه و در نتیجه، احیای آرمان‌های اجتماعی تبدیل شود. در چنین شرایطی، مناسک به صورت معناداری برای برانگیختن آن لحظات مشترک قدرت، شکوه و جلال گروهی تحت فشار قرار می‌گیرد. و با چنین کاری همانند سازوکاری برای تجدید ایمان به استحکام و پایداری گروه منجر می‌شود. در این حالت، مناسک به منزله رویدادی نمایشی تلقی می‌شود.^{۱۶}

بار-هایم معتقد است: مناسک با از دست دادن قدرت خود در الهام‌بخشی افراد و در نتیجه، بازتولید انرژی اجتماعی و بسیج توده‌ها، وسیعاً نمایش محور می‌شوند و بر کارکردهای هنری و فعالیت‌های نمایشی تأکید می‌ورزند. به عبارت دیگر، عناصر هنری از حالت حاشیه‌ای به کانون تأکید مناسک تبدیل می‌شوند.^{۱۷}

عزاداری و مداحی به مثابه یک آیین دینی مداحی سنتی و مداحی عامه‌پسند^{۱۸} (مدرن)

توجه به امور حاشیه‌ای در مراسم امروز عزاداری (مثل توجه به فرم و صورت)، در مقایسه با گذشته، که بیشتر به متن و محتوای نوحه‌ها توجه می‌شد، مداحی جدید را از مداحی سنتی متفاوت ساخته است. از این رو، ما با دو نوع مداحی سنتی و مدرن روبه‌رو هستیم. تقسیم‌بندی مداحی به سنتی و مدرن در تحقیق حاضر، بر مبنای نوع متن و محتوا، سبک^{۱۹} و نحوه اجرا، موسیقی، آهنگ، لحن و مضمون‌بندی می‌باشد. به نحوی که در مداحی‌های سنتی، موارد ذکر شده از یک قاعده خاص تبعیت می‌کند، اما در مداحی‌های مدرن یک نوآوری در سبک و محتوا ایجاد شده است.

عوامل مؤثر بر شکل‌گیری مداحی سبک جدید

مداحی نیز مانند دیگر پدیده‌های اجتماعی و فرهنگی در ایران، متأثر از شرایط ایجاد شده دچار تغییرات بنیادی شده است. انقلاب اسلامی، جنگ تحمیلی، جریان‌های اجتماعی و فرهنگی داخلی، حضور دینی مردم، برنامه‌های فرهنگی دولت و توجه به مراسم دینی و فراگیری برنامه‌های مذهبی به واسطه رسانه و جوانی جامعه، شرایط بین‌المللی و ... همه موجب ایجاد این تغییرات شده‌اند. شرایط پس از انقلاب اسلامی تا پایان جنگ و ادامه آن، تحولات به خصوص در دوره اصلاحات، فضای خاصی را برای تغییر نوحه‌ها به نوحه‌های حماسی و سیاسی و به شکل جدید آن فراهم آورد. شرایط فرهنگی اجتماعی جدید، علایق، توجه به هیجان و شور در مراسم، به جای تعمق و تفکر در پیام مراسم، که توجه به حاشیه تا متن دین را در پی داشت، و سلاقی نسل جدید و رسانه‌ای شدن مراسم عزاداری تا اندازه زیادی شکل گرفت.

همچنین ورود تکنولوژی‌های جدید رسانه‌ای از قبیل رادیو، تلویزیون، ماهواره، ویدئو و فیلم این رسانه‌ها به شدت افکار عمومی را به خود جلب نمود. به عنوان نمونه، برنامه‌های تولید شده تلویزیونی از مراسم بر سهم خواننده، مداح، متن و آهنگ، لحن و شیوه اجرای مراسم جدید، به طور ناخواسته اثر

می‌گذارد. از سوی دیگر، ورود رسانه‌ها در میان مردم در حین اجرای مراسم سوگواری، موجب شکل‌گیری نظم جدید و نورپردازی و استفاده از وسایل جدید می‌شود.^{۲۰} تولیدکنندگان ابژه‌ها از عوامل دیگر تأثیرگذاری در این عرصه بوده‌اند به نحوی که ابزار و وسایل مورد استفاده در مراسم عزاداری را افراد و گروه‌هایی با سلیقه‌های گوناگون تولید می‌کنند. در گذشته، ابزار و آلات مورد استفاده در مراسم عزاداری با دست تولید می‌شد. اما امروزه با توسعه نظام تولید کارخانه‌ای، اکثر وسایل عزاداری به طور انبوه تولید می‌شود. این روند ناگزیر، خواه ناخواه در تغییر ابژه‌های عزاداری تأثیر می‌گذارد و لاجرم بر بُعد هنری و زیباشناسانه‌ی ابژه‌ها، که متکی بر بازتولید مکانیکی هستند می‌افزاید.^{۲۱}

مدل تحلیلی



ابزار تحقیق

در این تحقیق از ابزار پرسش‌نامه معکوس استفاده شده است. از آنجایی که کلیپ‌های مداحی به‌عنوان واحد تحلیل مورد توجه بوده است، پرسشنامه‌ای تدوین شد تا از طریق آن، اطلاعات موجود در کلیپ‌ها به طور دقیق کدگذاری، استخراج و دسته‌بندی و تحلیل گردند. در این زمینه، پس از استخراج فرضیه‌ها و متغیرهای قابل اندازه‌گیری، پرسش‌نامه‌ای ۳۴ سؤالی تدوین شده که حاوی مباحث مختلفی همچون محتوا، سبک، میزان هیجان‌انگیزی، ادبیات شعری و... بودند، اجرا گردید.

جامعه آماری و حجم نمونه

از آنجایی که عنوان این تحقیق «تحلیل محتوای مداحی‌های مذهبی مردم‌پسند» در یک دهه اخیر می‌باشد، گلچینی از مداحی‌های ده سال اخیر (از سال ۸۱ تا ۹۰) مداحان معروف و تأثیرگذار، که

محصولات آنها به صورت گسترده تولید و پخش می‌شوند، به عنوان جامعه آماری انتخاب گردید.

در مجموع ۱۰۰ کلیپ از ۱۳ مداح به عنوان نمونه انتخاب گردید، یعنی ۵۰ کلیپ از ۵ مداح سنتی و ۵۰ کلیپ از ۸ مداح مدرن.

روش و تکنیک تحقیق

روش مورد استفاده در این پژوهش، به دلیل وجود منابع دست اول و حساسیت بالای کار مطالعه اسنادی می‌باشد. تکنیک تحقیق حاضر، تحلیل محتوای^{۲۲} کمی است. در واقع، تحلیل محتوای کمی عبارت است از: آزمون نظام‌مند و تکرارپذیر نمادهای ارتباطی‌ای که طی آن، ارزش‌های عددی بر اساس قوانین معتبر اندازه‌گیری، به متن نسبت داده می‌شود و سپس، با استفاده از روش‌های آماری، روابط بین آن ارزش‌ها تحلیل می‌شود.^{۲۳}

شیوه نمونه‌گیری

در این تحقیق از نمونه‌گیری غیراحتمالی با تأکید بر نمونه‌گیری مرتبط استفاده شده است. به نحوی که در ابتدا با مراجعه به چند مرکز اصلی پخش مداحی، گلچین محصولات ده سال ۵ مداح (آقایان محمدرضا طاهری، حاج منصور ارضی، سعید حدادیان، سیدمهدی میرداماد و مهدی سلحشور، به عنوان مداحان سبک سنتی و ۸ مداح دیگر، آقایان سیدجواد ذاکر، حسین سبک سرخی، جواد مقدم، عبدالرضا هلالی، حمید علیمی، اسلام میرزایی، مهدی مختاری و عینی‌فر، به عنوان مداحان سبک مدرن تهیه گردید. سپس، صد کلیپ گلچین و پرفروش با مشورت چندین مرکز پخش محصولات فرهنگی شهر قم و مراجعه به سایت مداحان برای کسب اطلاع از پرمخاطب‌ترین مداحی‌ها، از بین گلچین‌های هر سال هر مداح، یک مداحی که بیشترین مخاطب و فروش را داشته، انتخاب شده است.

جدول یافته‌های توصیفی تحقیق (مقایسه دو نوع مداحی سنتی مدرن)

متغیر	مداحی سنتی	مداحی مدرن
پوشش مداح در هنگام مداحی	(۸۰٪) با پیراهن و ۲۰٪ کت و شلوار	(۶۲٪) با تی‌شرت و ۳۸٪ پیراهن
سن مداح (در سال اجرای مداحی)	(۵۶٪) در گروه سنی ۴۱ سال و بیشتر	(۷۸٪) در گروه سنی بین ۲۰ تا ۳۰ ساله
محتوای اشعار مداحی (به ترتیب میزان کاربرد)	۱. توصیف روابط عاطفی و خانوادگی بین اهل بیت ۲. بیان مصائب و مظلومیت اهل بیت ۳. هم‌ذات‌پنداری و خواندن با زبان حال	۱. اظهار عشق به معشوق زمینی ۲. اظهار ارادت به ارباب و مولا و حرم آنها ۳. سرزنش خود به عنوان موجود گنهگار
میزان هیجان آفرینی	خیلی زیاد	تا حدی
سبک اجرا	(۵۶٪) سبک واحد	(۹۴٪) سبک شور
توجه به پیوندهای اجتماعی در اشعار	(۵/۸۶) توجه دارد	اغلب توجه ندارد

یافته‌های استنباطی پژوهش

نتایج استنباطی به دست آمده در مورد سه فرضیه (رابطه بین نوع مداحی با محتوا، ادبیات و میزان هیجان آفرینی مداحی‌ها) در جدول زیر آورده شده است.

جدول فراوانی و درصد پاسخ‌ها برحسب مقایسه محتوای مداحی‌های سنتی و مدرن

نوع مداحی		محتوا یک	
مدرن	سنتی	تعداد	درصد
۴۶	۱۷	تعداد	تعداد
٪۱۹/۵	٪۷/۸	درصد	درصد
۲۶	۰	تعداد	تعداد
٪۱۱	٪۰	درصد	درصد
۴۷	۷	تعداد	تعداد
٪۱۹/۹	٪۳/۱	درصد	درصد
۸	۱۶	تعداد	تعداد
٪۳/۴	٪۷/۱	درصد	درصد
۹	۰	تعداد	تعداد
٪۳/۸	٪۰	درصد	درصد
۹	۳۳	تعداد	تعداد
٪۳/۸	٪۱۴/۷	درصد	درصد
۰	۱۲	تعداد	تعداد
٪۰	٪۵/۴	درصد	درصد
۴	۴۱	تعداد	تعداد
٪۱/۷	٪۱۸/۳	درصد	درصد
۲۲	۳	تعداد	تعداد
٪۹/۳	٪۱/۳	درصد	درصد
۴	۴۳	تعداد	تعداد
٪۱/۷	٪۱۹/۲	درصد	درصد
۱	۳	تعداد	تعداد
٪۰/۴	٪۱/۳	درصد	درصد
۰	۶	تعداد	تعداد
٪۰	٪۲/۷	درصد	درصد
۷	۴	تعداد	تعداد
٪۳	٪۱/۸	درصد	درصد
۰	۲۳	تعداد	تعداد
٪۰	٪۱۰/۳	درصد	درصد
۲۸	۱۶	تعداد	تعداد
٪۱۱/۹	٪۷/۱	درصد	درصد
۲۵	۰	تعداد	تعداد
٪۱۰/۶	٪۰	درصد	درصد
۲۳۶	۲۲۴	تعداد	تعداد
٪۱۰۰	٪۱۰۰	درصد	درصد

آگاهی بخشی به مخاطبان (در زمینه‌های دینی، سیاسی و اجتماعی)	(۵۴٪) سبب آگاهی بخشی به مخاطبان می‌شوند و ۴۶٪ نمی‌شود	(۹۸٪) عنصر آگاهی بخشی وجود ندارد.
همخوانی دو مداح	(۹۴٪) وجود ندارد	(۶۲٪) وجود دارد
میزان هیجان دسته‌جمعی همخوانی هماهنگ حضار با مداح با صدای بلند	(۶۴٪) هیچ وقت وجود ندارد ۳۶٪ گاهی اوقات	(۸۴٪) اکثر اوقات وجود دارد
میزان هیجان دسته‌جمعی حضار (بالا و پایین پریدن هماهنگ حضار)	اکثر اوقات وجود ندارد	اکثر اوقات وجود دارد
پرهنه شدن حضار در حین سینه‌زنی	در ۶۴٪ مجالس وجود داشته است	در (۹۸٪) مجالس وجود داشته است
میزان هیجان آفرینی توسط حضار (از طریق گریه یا فریاد بلند)	در (۵۶٪) مجالس وجود نداشته است و در (۴۴٪) مجالس گاهی اوقات وجود داشته است	در (۷۳٪) مجالس اکثر اوقات وجود داشته است
هیجان آفرینی توسط مداح	در (۷۳٪) مجالس وجود داشته است	در (۱۰۰٪) مجالس وجود داشته است
نحوه هیجان آفرینی توسط مداح (زیر و برم کردن صدا و فریاد کشیدن، با کلمات و حروف، با حرکات دست و بدن، خود زنی مداح)	در (۶۷٪) اکثر مجالس با به کاربردن کلمات و حرف‌های هیجان‌برانگیز بوده است	در (۲/۵۳٪) اکثر مجالس با حرکات دست و بدن سعی در هیجان آفرینی مجلس دارد
هیجان آفرینی (با کاربردن موسیقی تند)	در (۹۲٪) مجالس این مسئله وجود نداشته است.	در (۹۰٪) مجالس اکثر اوقات وجود داشته است

متغیر	مداحی سنتی	مداحی مدرن
هیجان آفرینی (با حضور میان دار در صحنه)	در (۹۲٪) وجود ندارد.	(۸۸٪) وجود ندارد
هیجان آفرینی (با بکارگیری تکنولوژی صوتی جدید)	در ۴۴٪ موارد از اکو استفاده می‌شود.	در ۹۴٪ مجالس از اکو استفاده می‌شود
مدیریت صحنه توسط مداح (مکان استقرار مداح هنگام مداحی)	در ۵۰٪ موارد، مداح روی منبر ایستاده و در ۳۸٪ روی منبر نشسته	در ۷۰٪ اکثر مجالس مداح بالاتر از حضار روی سن ایستاده است
نحوه نورپردازی	در ۵۲٪ مکان استقرار مداح با نور کم، روشن است.	در (۶۶٪) اکثر مجالس مکان استقرار مداح با نور زیاد روشن شده است
درون‌مایه (نقطه تمرکز محتوای مداحی‌ها)	در (۵۰٪) موارد درون‌مایه عاطفی و احساسی و ۴۶٪ درون‌مایه اخلاقی بوده است	در (۹۶٪) درون‌مایه احساسی و عاطفی در مداحی به کار رفته است.
به کارگیری واژه‌های عربی	در ۸۲٪ کاربرد ندارد	در ۷۰٪ کاربرد ندارد
واژه‌های سلطنتی در اشعار (کلماتی مانند شاه، سلطان ارباب، امیر و...)	در (۸۸٪) استفاده نمی‌کند.	در (۸۶٪) استفاده می‌کند.
به کارگیری واژه‌های عرفانی در اشعار (مانند: عشق، می، مستی، ساقی، دل، خمار، پیاله و...)	در (۷۶٪) استفاده نمی‌شود.	در (۹۴٪) استفاده می‌شود
به کارگیری ادبیات محاوره‌ای در اشعار	در (۵۶٪) اصلاً به کار نمی‌رود و ۳۲٪ گاهی اوقات به کار می‌رود.	دراکثر (۹۲٪) از ادبیات محاوره‌ای و ادبیات شکسته استفاده می‌شود.
به کارگیری واژه‌های تحقیرآمیز در اشعار (مانند: سگ درگاه، دیوانه، نوکر، غلام و...)	استفاده نمی‌شود	در (۶۴٪) استفاده می‌شود
به کارگیری واژه‌های رسمی در اشعار	در (۵۴٪) به کار می‌رود.	در (۹۲٪) به کار نمی‌رود
به کارگیری ادبیات خاص (به کارگیری واژه‌های عربی، سلطنتی، عرفانی، محاوره‌ای و تحقیرآمیز)	در (۹۲٪) خیلی کم بکار می‌رود.	در (۸۸٪) خیلی زیاد به کار می‌رود.

برای سنجش رابطه بین نوع مداحی و محتوا در بین دو گروه سنتی و مدرن، از آزمون پیرسون استفاده شده است. بر اساس نتیجه به دست آمده، بین دو متغیر در سطح معنی‌داری ۵ درصد ($0/05 < \text{Sig}$) و بین نوع مداحی و محتوای مداحی‌ها در هر گروه تفاوت وجود دارد.

آزمون	مقدار	درجه آزادی	سطح معنی‌داری	تفسیر
کای اسکویر	۲۴۲/۵۲۷	۱۵	۰/۰۰۰	تفاوت معنی‌داری وجود دارد

همان‌گونه که از نتایج تحلیلی تحقیق به دست آمده، امروزه مداحی‌های مدرن برعشق زمینی در خصوص اهل‌بیت علیهم‌السلام و اظهار ارادت به مولا و ارباب بیشتر تأکید می‌کنند. در حالی که، مکتب تشیع سراسر سرشار از کرامات و اخلاقیات اهل‌بیت علیهم‌السلام می‌باشد که بیان آنها می‌تواند در جامعه مفید واقع گردد. از آنجایی که در مداحی‌ها، محتوای عشق زمینی به صورت آهنگین و با ریتم خاص و فضاآرایی منحصر به فرد انعکاس می‌شود، ممکن است آسیبی جدی در ترویج فرهنگ اهل‌بیت علیهم‌السلام باشد و این امر می‌تواند موجب می‌شود که مخاطب جوان عشق اهل‌بیت علیهم‌السلام را با عشق انسانی دیگر مقایسه کند. شاید در مواقعی عشق‌های مادی و ظاهری امروزی را بر عشق اهل‌بیت علیهم‌السلام ترجیح دهد؛ زیرا از نظر معنوی و منطقی، با مکتب اهل‌بیت علیهم‌السلام آشنا نیست. این خود در نهایت منجر به ترویج دینداری جدید با ویژگی‌های خاص می‌شود.

همانگونه که گذشت، دورکیم در خصوص اهمیت و تأثیرگذاری محتوای مناسب، می‌گوید: مناسب نمایشی و تفریحات جمعی به اندازه‌ای به هم نزدیک‌اند که گذار از یک نوع به نوع دیگر، بی‌آنکه پیوستگی از بین برود، امکان پذیر است. از این رو، می‌توان نتیجه گرفت: مراسم و مداحی‌ها به موازات سست شدن محتوا و ارائه تصویری نادرست از تاریخ و وقایع عاشورا مداحی‌ها وارد حوزه خیال‌بافی می‌شوند و در نتیجه، سرشت این مداحی‌ها تغییر کرده و مناسب عزاداری تبدیل به تفریح‌های جمعی می‌شود که مخاطبان برای سرگرمی و التذاذ در آنها شرکت می‌کنند و عنصر دینی در آنها ضعیف می‌شود. به عبارت دیگر، می‌توان گفت: مداحان جدید از متونی استفاده می‌کنند که تا حدود زیادی بیانگر عاطفه و احساس مذهبی است و کمتر ناظر به بیان مسائل اخلاقی و مباحث جدی فکری و اعتقادی است. در این زمینه، تأکید عمده آنها بر روی جنبه‌هایی از شخصیت و ویژگی‌های انسانی صورت می‌گیرد که امکان بیشتری در برانگیختن عواطف و احساسات مخاطبان داشته باشند. به نحوی که به فراوان مشاهده می‌شود در جای‌جای متون مداحی، مضامینی به‌طور غلوآمیز در ارتباط با مصائب امام حسین علیه‌السلام و یارانش در جهت گریاندن هر چه بیشتر مخاطب استفاده می‌شود. بدون اینکه حتی یک عبارت و جمله کوتاهی از چرایی این شهادت در گوشه‌ای اشاره شود.

جدول فراوانی و درصد پاسخها برحسب مقایسه میزان هیجان‌آفرینی مداحی‌های سنتی و مدرن

نوع مداحی		میزان هیجان‌آفرین بودن مداحی	
مدرن	سنتی	تعداد	درصد
۰	۱۶	تعداد	درصد
۰٪	۳۲٪	تعداد	درصد
۰	۳۰	تعداد	درصد
۰٪	۶۰٪	تعداد	درصد
۵	۴	تعداد	درصد
۱۰٪	۸٪	تعداد	درصد
۴۵	۰	تعداد	درصد
۹۰٪	۰٪	تعداد	درصد
۵۰	۵۰	تعداد	درصد
۱۰۰٪	۱۰۰٪	تعداد	درصد

بر اساس جدول تجمعی فوق، مشخص می‌شود که ۹۰ درصد، مداحی‌های مدرن، خیلی‌زیاد هیجان‌آفرین می‌باشند. در حالیکه ۶۰ درصد مداحی‌های سنتی از عنصر هیجان‌آفرینی تا حدی برخوردار هستند.

آزمون	مقدار	درجه آزادی	سطح معنی‌داری	تفسیر
کای اسکویر	۹۱/۱۱۱	۳	۰/۰۰۰	تفاوت معنی‌دار وجود دارد

بر اساس نتایج، در سطح معناداری ۵ صدم، بین دو نوع مداحی از نظر میزان هیجان‌آفرینی تفاوت وجود دارد. همان‌گونه که در نتایج روشن است، مداحی‌های مدرن تا حد بسیار زیادی هیجان‌آفرین می‌باشند و از شیوه‌ها و ابزارهای مختلف و جدیدی برای تهییج مخاطبان بهره می‌گیرند که می‌توان به استفاده فراوان از سیستم‌های قوی صوتی مانند اکو و سیستم‌های حرفه‌ای نورپردازی اشاره کرد. علاوه بر این، ابزار شخص یا اشخاصی با عنوان «میاندار» با حضور خود در بین مخاطبان برای تشدید هیجان‌آفرینی مجلس به کمک مداح می‌آیند. در این میان مداحان علاوه بر استفاده از موارد یاد شده و الفاظ و وسایل خاص، سبک شور و موسیقی تند، از حرکات دست و بدن خود نیز دریغ نکرده و در تهییج هر چه بیشتر مخاطبان، مجلس را با مدیریت صحنه منحصر به فرد، اداره می‌کنند.

جدول فراوانی و درصد پاسخها بر حسب مقایسه دو نوع مداحی‌های سنتی و مدرن از نظر ادبیات

نوع مداحی		میزان بکارگیری ادبیات خاص در اشعار مداحی	
مدرن	سنتی	تعداد	درصد
۰	۴۶	تعداد	درصد
۰٪	۹۲٪	تعداد	درصد
۶	۴	تعداد	درصد
۱۲٪	۸٪	تعداد	درصد
۴۴	۰	تعداد	درصد
۸۸٪	۰٪	تعداد	درصد
۵۰	۵۰	تعداد	درصد
۱۰۰٪	۱۰۰٪	تعداد	درصد

آزمون	مقدار	درجه آزادی	سطح معنی‌داری	تفسیر
کای اسکویپر	۹۰/۴۰۰	۲	۰/۰۰۰	رابطه معنی‌دار وجود دارد

بر اساس نتیجه به دست آمده از آزمون پیرسون، چون سطح معناداری این آزمون صفر و کمتر از ۵٪ است، ($\text{sig} < 0/05$) بین دو متغیر تفاوت معناداری وجود دارد؛ مداحان مدرن از ادبیاتی که شامل واژه‌های عربی، سلطنتی، عرفانی، محاوره‌ای و تحقیرآمیز می‌باشد، استفاده زیادی می‌کنند و عکس این مسئله در مداحی‌های سنتی وجود دارد.

در واقع، همان‌گونه که در مبانی نظری آمده است، مداحان مدرن در راستای اقناع و جلب مخاطبان بیشتر در کنار به کارگیری از سبک‌های شور و محتوایی، همچون عشق‌های زمینی از ادبیات خاصی استفاده زیادی می‌کنند. مهم‌ترین مشخصه این ادبیات، وجود کلماتی عشقی و عرفانی (مانند: عشق، باده، می، مستی، میکده، ساقی و بتکده، دل و دلبر، عاشق، خمار و پیاله)، سلطنتی (کلماتی مانند: شاه و سلطان و ارباب)، تحقیرآمیز و ازگانی همچون: کلب آستان، سگ درگاه محاوره‌ای می‌باشد. در واقع به کارگیری چنین ادبیاتی از سوی مداحان جدید، نوعی ساختار و هنجارشکنی نسبت به ادبیات مداحی‌های سنتی می‌باشد؛ چرا که در ادبیات مداحی‌های سنتی، چنین کلماتی بسیار کم مورد استفاده قرار می‌گیرد و بهره‌مندی از ادبیات رسمی در مداحی‌هایشان درصد بالایی را به خود اختصاص می‌دهد.

نتیجه‌گیری

بی‌تردید امروزه یکی از مهم‌ترین و مؤثرترین آیین‌های مذهبی شیعه، به ویژه در ایران، برپایی مجالس عزاداری اهل‌بیت علیهم‌السلام می‌باشد؛ که یکی از پرطرفدارترین و تاثیرگذارترین اجزای آن، عنصر مداحی می‌باشد؛ مخاطبان برای شرکت در مجالس و هیئت‌ها، در ابتدا اطلاعاتی در مورد مداح مجلس به دست آورده و سپس در یک هیئت خاص شرکت می‌کنند. امروزه با ظهور نسل جدیدی از مداحان با سبک‌های جدید مواجه هستیم که به سرعت و به صورت گسترده مخاطبان زیادی را به خود جذب می‌کنند.

چنانچه دورکیم معتقد است: نقش و جایگاه یک آیین دینی در میان مردم، به زیرو بزم‌های حیات اجتماعی و شرایط زندگی جمعی مؤمنان وابسته است. از این‌رو، از موقعیت و جایگاه یک آیین در بین مردم، می‌توان به نظام مذهبی آنها و اهداف مذهبی اولویت‌مند برای آنها پی‌برد. در این راستا، بررسی این قشر جدید و مقایسه با نوع سنتی آن امری ضروری و مهم است.

پس از تحلیل نتایج مشخص شد که مداحی‌های سنتی و مدرن، از جهات بسیاری با یکدیگر متفاوت می‌باشند. این تفاوت‌ها از مشخصات ظاهری مداحان، سن آنها تا محتوا، سبک و ادبیات مداحی‌ها را شامل می‌شود. در واقع، طبق نتایج به دست آمده مشخص گردید که اکثر مداحان مدرن در زمان اجرای مداحی در سنین جوانی بین ۲۰ تا ۳۰ سال می‌باشند. اما مداحان سنتی، اغلب میان‌سال هستند. از نظر نوع پوشش ظاهری در حین مداحی، مداحان مدرن بیشتر با تی‌شرت بوده‌اند، اما مداحان سنتی از پیراهن و گاهی اوقات کت و شلوار استفاده می‌کنند.

در زمینه محتوایی، مداحی‌های مدرن بیشتر بر عشق زمینی، نسبت به اهل بیت علیهم‌السلام و اظهار ارادت به مولا و مراد تأکید داشته‌اند و از نظر محتواهایی همچون گذشت و ایثار و تأکید بر روحیات اخلاقی و جوانمردی اهل بیت علیهم‌السلام سخنی به میان آورده نمی‌شود. حتی در بین اشعار مداحی‌های مدرن، استفاده از کلمات غلو آمیز، سرزنش خود به عنوان موجودی گناه‌کار و ضعیف و کلماتی مبنی بر جنون و دیوانگی خود، استفاده نسبتاً زیادی داشته‌اند. اما این موضوع در مداحی‌های سنتی کمتر دیده می‌شود. آنها در محتوا، بیشتر بر مظلومیت اهل بیت علیهم‌السلام تأکید دارند.

محتوای ضعیف و توصیف عشق زمینی در مداحی‌های مدرن، با عنصر هیجان‌آفرینی حداکثری، عجین و همراه شده است؛ چرا که مداحان جدید از هر فرصت و زمینه‌ای برای تهییج حداکثری مجلس استفاده می‌کنند تا بتوانند بر جذب مخاطبان بیشتر به هر نحوی که شده، اقدام نمایند. در این زمینه، دست به دامن تکنولوژی‌های جدید و حرفه‌ای نورپردازی و صوتی می‌شوند. علاوه بر این شخصی به عنوان میان‌دار در این زمینه به کمک مداح می‌آید و کار تهییج در بین حضار را دو چندان می‌کند. همچنین بهره‌مندی از ادبیات محاوره‌ای کوچه بازاری و کلمات عاشقانه و تحقیرآمیز در قالب ریتم‌های تند و سبک‌های شور و با کمک آهنگ‌های تند، شبیه به پاپ بر هیجان‌آفرینی هر چه بیشتر این مجالس می‌افزاید. مداح علاوه بر تمامی موارد فوق، خود هم دست به کار می‌شود و علاوه بر بکار بردن کلماتی هیجان‌آفرین و درون‌مایه عاطفی، با کمک دست و بدن خود و مدیریت صحنه‌خاص (مانند ایستادن در روی سن و بالاتر از حضار) و با کمک مداح دیگر، که فقط کلمه (ح.س.ح.س) را تکرار می‌کند، بر تهییج هر چه بیشتر مجلس می‌افزاید. به دستور مداح، فضای مجلس تاریک می‌شود. این کار، علاوه بر اینکه فضای رازآلودتری به محفل می‌دهد، فضا را برای انجام حرکات کارناوالی فراهم می‌کند. در این بین، حضار نیز ساکت ننشسته و با تکرار بلند اشعار، گریه بلند و با فریاد و برهنه شدن و بالا و پایین

پریدن هماهنگ با آهنگ (بسیاری اوقات سینه زدن مشاهده نمی‌شود، در فضای تاریک بر هیجان‌آفرینی این مجالس می‌افزایند.

در واقع، در طول تمام مراسم، مداح کارگردانی محفل را بر عهده دارد. فضای مجلس به واقع مانند کنسرتی است که در آن همه چشم‌ها به یک مداح است. در این فضای تاریک، فقط مداح دیده می‌شود که با نورپردازی خاصی و شدید اطرافش روشن شده است؛ مداحی که باید با مدیریت خود و همراهان با استفاده از میکروفون جماعتی را به شور و هیجان بیندازد.

مداحی‌های عامه‌پسند از نظر محتوایی، سبک، شعر، مخاطب، محل برگزاری، ریتم خواندن، استفاده از آکو، فضاآرایی و نورپردازی خاص، استفاده از قطعات موسیقی پاپ، تیپ ظاهری مداح، توجه به تقاضای مخاطب، حرکات خاص دست و سر مداح هنگام خواندن به نوعی هنجار شکن بوده‌اند. گاهی اوقات با واکنش مجامع مذهبی و علما مواجه شده‌اند. با توجه به این اعتراض‌ها، دیگر جایی برای هواداران این مداحی‌ها در مساجد نبوده و بیشتر این مجالس در خانه‌های شخصی، زیرزمین‌ها، و اماکن با کاربری عمومی برگزار می‌شوند. نتیجه آنکه، اعضای این هیئت‌ها در این گونه اماکن از دست تذکرات امام جماعت و از توبیخ هیئت امنا و انتقادات مردم حاضر آسوده هستند. آنها می‌توانند به سبک دل خواه خود عزاداری کنند و اشعار مورد علاقه خود را می‌خوانند.

در نهایت، می‌توان گفت که مداحی‌های مدرن، دارای ویژگی‌هایی است که در گونه سنتی آن دیده نمی‌شود. از جمله:

غلبه شور بر شعور؛ استفاده از قالب‌های شعری غیرکلاسیک و جدید؛ تأکید زیاد به فرم و صورت و محتوای ضعیف و غیر معنوی؛ وجود تنوع در سبک؛ استفاده از ملودی‌های غیرمذهبی و عاریه‌ای و موسیقی تقلیدی و عاریتی؛ بهره‌مندی از ادبیات خاص؛ جوان‌پسند بودن؛ تجاری بودن و تولید انبوه و بهره‌مندی از نظام گسترده توزیع؛ وجود تکنولوژی‌های جدید و حرفه‌ای صوتی و نورپردازی و فضاسازی مجازی؛ حضور مداحان بسیار جوان با نحوه پوشش خاص؛ ظهور نمادهای جدید و جایگزین؛ تکیه بر درونمایه احساسی و عاطفی؛ به وجود آمدن فرهنگ متناسب با مداحی‌های جدید؛ ستاره شدن مداحان و مورد تقلید جوانان واقع شدن؛ مدیریت صحنه خاص مداح.

باید اذعان داشت که این تغییرات به مرور به وقوع پیوسته است. از مهمترین علل رخداد این موضوع، می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

گسترش سریع رسانه‌ها و تکنولوژی‌های جدید، نگاه به مداحی به عنوان شغل، گسترش

نگرش‌های خاص در عرصه دین و واقع‌عاشورا، کنترل ضعیف بر هیات‌ها، مسائل سیاسی، توزیع گسترده محصولات مداحان و رقابت در این عرصه، روی کارآمدن مدیران و بانیان جدید هیات‌ها و...

وقوع این تنوع سبک‌ها و شیوه‌های متفاوت مداحی‌ها، امکان حضور افراد و گروه‌های اجتماعی متعدد با علائق متفاوت را فراهم ساخته است. این نوع حضور، نقش افراد را در مقابل ساختارها قابل اهمیت ساخته و در نهایت، موجب شکل‌گیری مقاومت‌هایی شده است که جامعه نیز به تدریج به تغییرات ناشی از آن تن می‌دهد. در واقع، وقوع این تغییرات در نظام مداحی، که بخشی از تغییرات دینداری است، امری واقعی و قابل حصول می‌باشد و خود منشأ تحولات عمده در حوزه دینی شده است که ضرورت چاره‌اندیشی در این زمینه بیش از پیش احساس می‌شود.

Archive

پی‌نوشت‌ها

۱. ملکم همیلتون، *جامعه‌شناسی دین*، ترجمه محسن ثلاثی، ص ۱۹۹.
۲. همان، ص ۱۷۹.
۳. جبار رحمانی، *گفتمان کربلا و مناسک عزاداری در دین‌ورزی اقشار فرودست شهری*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، ص ۳.
۴. غلامعباس توسلی، *جامعه‌شناسی دینی*، ص ۵۹-۶۹.
۵. امیل دورکیم، *صوربنیانی حیات دینی*، ترجمه باقر پرهام، ص ۱۳۷ و ۵۱۸.
۶. همان، ص ۴۰۴.
۷. همان، ص ۵۲۵.
۸. همان، ص ۵۲۵.
۹. دانیل پالس، *هفت نظریه در باب دین*، ترجمه محمدعزیز بختیاری، ص ۳۳۳.
۱۰. ملکم همیلتون، *جامعه‌شناسی دین*، ترجمه محسن ثلاثی، ص ۲۷۸.
۱۱. محمدعزیز بختیاری و فاضل حسامی، *درآمدی بر نظریه‌های اجتماعی دین*، ص ۲۳۳ و ۲۳۵.
۱۲. پیترال برگر و توماس لاکمن، *ساخت اجتماعی واقعیت*، ترجمه فریبرز مجیدی، ص ۱۲۹.
۱۳. همان، ص ۱۳۴.
۱۴. پیترال برگر و دیگران، *ذهن بی‌خانمان، آگاهی و نوسازی*، ترجمه محمد ساوجی، ص ۷۳.
۱۵. همان، ص ۸۷-۸۸.
۱۶. گابریل بارهایم، «فروپاشی و زوال امر قدسی-ناپهنجاری و بحران در مناسک»، در استوارت ام هوور، *بازاندیشی درباره رسانه، دین و فرهنگ*، ترجمه مسعود آریایی، ص ۱۷۸.
۱۷. همان، ص ۱۷۸-۱۸۱.
۱۸. در این تحقیق فرهنگ عامه‌پسند فرهنگ عملی مردم در زندگی روزمره می‌باشد، فرهنگی که گرچه در قالب نظارت‌های راهبران فکری و عمدتاً در مناسبات متأثر از فرهنگ رسمی اتفاق می‌افتد، سیر و سازندگان گمنام و بی‌نام خود را دارد و از درون مردم سازمان‌دهی و رواج یافته است.
۱۹. در اینجا، مقصود از سبک، «آهنگ» و «شیوه» اجرای مباحی بوده است که به چهار گروه تقسیم شده است، سبک شور، سنگین، واحد و زمینه.
۲۰. پیر رب و مهری بهار، «ابژه‌ها و تغییر مراسم دینی»، *نامه علوم اجتماعی*، ش ۲۰، ص ۱۲۳.
۲۱. همان، ص ۱۲۳-۱۲۵.

22. content analysis.

۲۳. دانیل رایف و همکاران، *تحلیل پیام‌های رسانه‌ای «کاربرد تحلیل محتوای کمی در تحقیق»*، ترجمه مهدخت بروجردی علوی، ص ۲۵.

منابع

- آرون، ریمون، *مراحل اساسی سیر اندیشه در جامعه‌شناسی*، ترجمه باقر پرهام، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۸۲.
- اینگلهارت، رونالد، *تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی*، ترجمه مریم وتر، تهران، کویر، ۱۳۷۳.
- بارهایم، گابریل، «فروپاشی و زوال امر قدسی - ناپهنجاری و بحران در مناسک»، در استوارت ام هوور و نات لاندبای، *بازاندیشی درباره رسانه، دین و فرهنگ*، ترجمه مسعود آریایی، تهران، سروش، ۱۳۸۲.
- بختیاری، محمدعزیز و فاضل حسامی، *درآمدی بر نظریه‌های اجتماعی دین*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره)، ۱۳۸۲.
- برگر، پیترال و توماس لاکمن، *ساخت اجتماعی واقعیت*، ترجمه فریبرز مجیدی، تهران، مرکز، ۱۳۷۵.
- برگر، پیترال و دیگران، *ذهن بی‌خانمان، آگاهی و نوسازی*، ترجمه محمد ساوجی، تهران، نی، ۱۳۸۱.
- پالس، دانیل، *هفت نظریه در باب دین*، ترجمه محمدعزیز بختیاری، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۸۲.
- تامسون، کنت و دیگران، *دین و ساختار اجتماعی*، ترجمه علی بهرامپور و حسن محدثی، تهران، کویر، ۱۳۸۱.
- توسلی، غلام‌عباس، *جامعه‌شناسی دینی*، تهران، سخن، ۱۳۸۰.
- الحیدری، ابراهیم، *تراجیدیا کربلا*، بیروت، دارالکتب الاسلامی، ۱۴۲۳.
- دانش، جابر، *جامعه‌شناسی دین*، تهران، معارف، ۱۳۸۶.
- دفلور، ملوین و اورت دنیس، *شناخت ارتباطات جمعی*، ترجمه سیروس مرادی، تهران، دانشکده صدا و سیما، ۱۳۸۲.
- دورکیم، امیل، *صور بنیانی حیات دینی*، ترجمه باقر پرهام، تهران، مرکز، ۱۳۸۳.
- رایف، دانیل و همکاران، *تحلیل پیام‌های رسانه‌ای «کاربرد تحلیل محتوای کمی در تحقیق»*، ترجمه مهدخت بروجردی علوی، تهران، سروش، ۱۳۸۵.
- رب، پیر و مهری بهار، «ابژه‌ها و تغییر مراسم دینی»، *نامه علوم اجتماعی*، ش ۲۰، پاییز و زمستان ۱۳۸۱، ص ۱۱۷-۱۳۲.
- رحمانی، جبار، *گفتمان کربلا و مناسک عزاداری در دین‌ورزی اقشار فرودست شهری*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، ۱۳۸۴.
- رینزر، جورج، *نظریه جامعه‌شناسی دوران معاصر*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، علمی، ۱۳۷۷.
- ستوری، جان، *مطالعه فرهنگی درباره فرهنگ عامه*، ترجمه حسین پاینده، تهران، آگه، ۱۳۸۶.
- شجاعی زند، علیرضا، *جامعه‌شناسی دین*، تهران، نی، ۱۳۸۸.
- _____، *دین، جامعه و عرفی شدن*، تهران، مرکز، ۱۳۸۰.
- علمی، قربان و مهدی حسن‌زاده، «منشأ دین از دیدگاه برگر»، *مقالات و بررسی‌ها*، دفتر ۸۳، بهار ۱۳۸۶، ص ۶۷-۸۶.
- کاهیده، نسیم، *نگاهی جامعه‌شناختی به تحول نقش واعظ و مداح در اجرای مناسک عاشورا*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه پیام نور تهران، ۱۳۸۸.
- کیوی، ریمون، *روش تحقیق در علوم اجتماعی*، ترجمه عبدالحسین نیک گهر، تهران، توتیا، ۱۳۸۷.

- گولد، جولیوس و ویلیام، ل، کولب، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه محمدجواد زاهدی مازندرانی، تهران، مازیار، ۱۳۷۶.
- گیرتز، کلیفورد و فاضل حسامی، «اسلام، آن‌گونه که مشاهده کردم»، معرفت، ش ۷۲، آذر ۱۳۸۲، ص ۸۸-۹۴.
- مطهری، مرتضی، حماسه حسینی، تهران، صدرا، ۱۳۳۸.
- مظاهری، محسن، جامعه‌شناسی آیین‌های سوگواری و هیات‌های مذهبی در ایران، رسانه شیعه، تهران، بین‌الملل، ۱۳۸۷.
- همیلتون، ملکم، جامعه‌شناسی دین، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، تیبان، ۱۳۷۷.
- هولستی، زه‌ال. آر، تحلیل محتوا در علوم اجتماعی و انسانی، ترجمه نادر سالارزاده امیری، تهران، دانشگاه علامه، ۱۳۸۰.

Archive of SID